

بدرفتاری با کودک فرزندپروری و فرایندهای خانوادگی و مداخلات درمانی

تالیف:

داگلاس ام. تتی

مترجم:

زهره سادات معینی

(دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی)

ویراستار:

دکتر فرناز کشاورزی ارشدی

(دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)



انتشارات آوای نور

تهران-۱۳۹۸

عنوان و نام پدیدآور	: بد رفتاری با کودک: فرزندپروری و فرایندهای خانوادگی و مداخلات درمانی/ تالیف [صحبیح: ویراستار] داگلاس ام. تتی؛ مترجم زهره سادات معینی؛ ویراستار فرناز کشاورزی ارشدی.
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۵۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Parenting and family processes in child [۲۰۱۷], maltreatment and intervention.
عنوان دیگر	: فرزندپروری و فرایندهای خانوادگی و مداخلات درمانی.
موضوع	: کودک آزاری
موضوع	: Child abuse
موضوع	: رفتار والدین
موضوع	: Parenting
شناسه افزوده	: تتی، داگلاس ام، ۱۹۵۱ - م، ویراستار
شناسه افزوده	: Teti, Douglas M.
شناسه افزوده	: معینی، زهره سادات، ۱۳۶۶ -، مترجم
شناسه افزوده	: کشاورزی ارشدی، فرناز، ۱۳۴۹ -، ویراستار
رده بندی کنگره	: ۵/۶۴۳۶HV

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

بدرفتاری با کودک

فرزندپروری و فرایندهای خانوادگی و مداخلات درمانی

تالیف: داگلاس ام. تتی

مترجم: زهره سادات معینی

ویراستار: دکتر فرناز کشاورزی ارشدی

صفحه آرا: فاطمه حامدی

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۵۵۶-۴

قیمت ۵۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تقدیم به

همسرم که نشانه لطف الهی در زندگی من است

و

تمام کودکان سرزمینم

فهرست

- پیشگفتار ۷
- بخش اول: بدرفتاری با کودک و فرآیندهای جاری در خانواده ۱۴
- فصل اول: ترکیب خانواده، قربانیسازی چندگانه و تابآوری: درک عوامل خطر، آسیب پذیری و عوامل حفاظتی در گستره ی دوران کودکی ۱۶
- فصل دوم: ایجاد محیطی ایمن بعد از بدرفتاری با کودک: مزایا و محدودیت‌های حمایت ۴۸
- فصل سوم: چرا به من نگفتی؟ کمک به کودک و خانواده بعد از افشای سوءاستفاده جنسی ... ۶۹
- بخش دوم: انتقال میان‌نسلی بدرفتاری با کودک ۸۶
- فصل چهارم: انتقال میان‌نسلی بدرفتاری با کودک: خاستگاهها اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی خطر مادر ۸۸
- فصل پنجم: بازسازی محیط: چالش‌های منحصر به فرد در کودکان مادران سوءاستفاده شده ۱۴۰
- بخش سوم: کار با کودکان آزار دیده و خانواده‌های آن‌ها ۱۶۱
- فصل ششم: مداخله مبتنی بر شواهد: درمان شناختی-رفتاری ترومامحور/ متمرکز بر آسیب برای کودکان و خانواده‌ها ۱۶۳
- فصل هفتم: تاثیر درمان تعامل والد-کودک بر بهزیستی کودک ۱۸۸
- فصل هشتم: پیشگیری از انتقال میان‌نسلی بدرفتاری با کودک از طریق مداخلات ارتباطی ۲۲۲
- بخش چهارم: پیشگیری از بدرفتاری با کودک: تلاش‌های کنونی و مسیر آینده ۲۴۱
- فصل نهم: اصلاح مراقبت ایمن و سایر برنامه‌های مبتنی بر شواهد برای تقویت حمایت از کودک ۲۴۳
- فصل دهم: کاهش خطر بدرفتاری با کودک: چالش‌ها و فرصت‌ها ۲۸۰
- فصل یازدهم: دیدار در میانه راه: سیستم‌ها، شرکا و بررسی همیارانه برای تولید شواهد مبتنی بر عمل ۳۰۸

پیشگفتار

این کتاب حاصل کنفرانسی بود که با عنوان «نقش سوءاستفاده، بدرفتاری و فرآیندهای خانوادگی در بدرفتاری با کودک و مداخله در آن»^۱ در پنجم و ششم ماه می ۲۰۱۴ در دانشگاه پن استیت برگزار شد. هدف اصلی این کنفرانس و این کتاب این است که متخصصان را از نقش فرآیندهای خانوادگی، و به خصوص فرآیندهای بدرفتاری با کودک را در سبب‌شناسی، تاثیر، درمان و پیشگیری از بدرفتاری با کودک آگاه کند. ما امیدوار بودیم که با برگزاری این کنفرانس علم خانواده گامی به جلو رود و روش‌های مبتکرانه‌ای برای بررسی سبب‌شناسی بدرفتاری با کودک طراحی شود، درک بهتری از انتقال میان‌نسلی و/یا سوءاستفاده در معرض خطر صورت گیرد و در نهایت، در مورد درمان و پیشگیری از بدرفتاری با کودک ایده‌های نوینی پیشنهاد گردد. این سومین کنفرانس با موضوع کلی بدرفتاری با کودک است که توسط مرکز حفاظت و بهزیستی کودک و با حمایت اسپانسرهای زیادی از داخل و خارج از شبکه پن استیت برگزار شده است.

این کتاب نیز مانند این کنفرانس به چهار بخش تقسیم شده است. در بخش اول، «بدرفتاری با کودک و فرآیندهای خانواده»، در مورد بدرفتاری در بافت سیستم خانواده صحبت می‌کنیم. شری هامبی تاکید می‌کند که بدرفتاری با کودک غالباً بخشی از یک «شبکه خشونت» بزرگتر است که همراه با شکل‌های مختلف بدرفتاری (سوءاستفاده فیزیکی، سوءاستفاده جنسی، و غفلت) و معمولاً در خانواده‌هایی که با بیش از یک نوع استرس مواجه هستند روی می‌دهد. فراوانی زیاد قربانی‌سازی چندگانه و دلایل همپوش آن نیاز به داشتن رویکردهای متمرکز بر کودک و خانواده را برای مطالعه و درمان بدرفتاری ضروری می‌سازد. علاوه بر این، هامبی از روش‌های درمانی تک‌بعدی که فقط می‌خواهند یک مشکل خاص کودک را حل کنند انتقاد می‌کند و اظهار می‌کند بهتر است از رویکردهای مبتنی بر تاب‌آوری استفاده شود، زیرا این نوع درمان‌ها جامع، چند مرحله‌ای و متناسب با سطح رشد کودک هستند و نیازهای مختلف کودک و خانواده را پوشش می‌دهند.

در فصل دوم این بخش، مارگارت رایت در مورد نقش پیچیده حمایت‌های اجتماعی در مورد تاثیر کوتاه مدت و بلندمدت بدرفتاری با کودک صحبت می‌کند. وی اشاره

۱. The role of parenting and family processes in child maltreatment and intervention

می‌کند شبکه‌های اجتماعی غیررسمی کودک (که ممکن است از سطح خانواده هسته‌ای فراتر روند) همیشه لزوماً حمایتی نیستند و ممکن است کودک را از خود طرد کنند و یا حتی برخوردی خصمانه با او داشته باشند. به عقیده رایج باید بخش مهمی از درمان را به «اصلاح تجربه ارتباطی کودک» و حمایت رسمی از خانواده‌هایی اختصاص دهیم که با واقعیت‌های افشای بدرفتاری مقابله می‌کنند.

در فصل آخر این بخش نیز نانسی کلاگ به نقش حمایتی درمانگر هنگام افشای بدرفتاری اشاره می‌کند. وی می‌گوید نقش درمانگران در این مسئله بسیار متفاوت است و به شرایط خاص هر خانواده بستگی دارد. برای مثال، درمانگر می‌تواند شیوه‌های مختلف افشاسازی بدرفتاری توسط کودک را برای والدین شرح دهد: اینکه به ندرت کودکان همان بار اول این مسئله را آشکار می‌کنند و معمولاً بدرفتاری چند ماه یا حتی چند سال ادامه داشته است؛ سوءاستفاده جنسی لزوماً با نشانه‌های معمول فیزیکی، رفتاری و هیجانی همراه نیست؛ و اگر خانواده حرف کودک را باور نکند و از او به اندازه کافی حمایت نکنند، ممکن است کودک از افشا پشیمان شود و حرف خود را پس بگیرد. کلاگ اشاره می‌کند یکی از مولفه‌های بسیار مهم بعد از افشای سوءاستفاده این است که کودک درک کند دیگران حرف او را باور کرده‌اند و از او حمایت می‌کنند.

بخش دوم، «انتقال میان‌نسلی بدرفتاری با کودک» با نظر لورا مک کلاسکی در مورد چرخه میان‌نسلی (IG) سوءاستفاده یا بدرفتاری آغاز می‌شود. او اشاره می‌کند که اگرچه شواهد از وجود یک چرخه سوءاستفاده در نسل‌های مختلف حمایت می‌کنند، اما انتقال IG یک پدیده پیچیده است و عوامل خطر و حفاظتی زیادی بر آن تاثیر دارند، تاثیر بدرفتاری به عنوان تابعی از ماهیت و شدت بدرفتاری و جنسیت قربانی تغییر می‌کند، و ارتباط زیادی میان مولفه‌های مختلف در این حوزه برقرار است. مک کلاسکی عقیده دارد هنگام بررسی انتقال رفتارهای مشکل‌آفرین و بدرفتاری از یک نسل به یک نسل دیگر، استفاده از طرح‌های آینده‌نگر برتر از طرح‌های گذشته‌نگر هست. اما طرح‌های آینده‌نگر هم مشکلاتی دارند که از میان آن‌ها می‌توان به حفظ ارتباط با شرکت‌کنندگان، بدست آوردن نمونه کافی از تعدیل‌کنندگان تاریخچه‌ای روابط بدرفتاری-پیامد، و انتخاب گزینه‌های صحیح در چرخه زندگی برای بررسی تاثیر بدرفتاری اشاره کرد.

در فصل دوم بخش دوم، جنی نال اظهار می‌کند اغلب اطلاعاتی که در مورد انتقال میان‌نسلی بدرفتاری وجود دارد در مورد انتقال سواستفاده « فیزیکی» است و در مورد سایر شکل‌های بدرفتاری که به صورت نسلی انتقال می‌یابند، داده‌های بسیار کمی در دسترس است. علاوه بر این، ظاهراً مکانیسم‌های شکل‌دهنده انتقال IG در شکل‌های مختلف بدرفتاری بسیار با هم متفاوت هستند. نال می‌گوید اگرچه نتایج پژوهش در مورد ارتباطات IG (که به شکل‌های خاصی از بدرفتاری مربوط می‌شوند) ممکن است فریبنده باشند، اما والدینی که خودشان در کودکی هر شکلی از بدرفتاری را تجربه کرده باشند، بیشتر احتمال دارد که خودشان نیز با فرزندشان بدرفتاری کنند، یا طوری از فرزندشان مراقبت کنند که زمینه بدرفتاری با کودک توسط سایرین فراهم آید. همچنین، اگر این افراد خودشان مراقبت از کودک فردی دیگری را بر عهده داشته باشند، بیشتر احتمال دارد با آن کودک نیز بدرفتاری کنند. فرزندان چنین والدینی احتمالاً الگوی بدرفتاری با کودک را درون‌سازی کرده و در آینده احتمالاً هم با کودک خود بدرفتار خواهند بود و به این ترتیب، از نظر رشد و تحولی و روانی-اجتماعی به او آسیب می‌زنند.

بخش سوم این کتاب، «کار با کودکان آزاردیده و خانواده‌های آن‌ها»، توسط جودیت کوهن و آنتونی مانارینو نگاشته شده است. آن‌ها در این بخش در مورد درمان شناختی-رفتاری ترومامحور (TF-CBT) که یکی از تاییدشده‌ترین درمان‌ها برای بدرفتاری با کودکان است صحبت می‌کنند. کوهن و مانارینو اصول TF-CBT و نحوه مشارکت والدین و/یا مراقب غیرمجرم در درمان را شرح می‌دهند. این نویسندگان عقیده دارند مشارکت والدین در درمان چندین مزیت دارد: ادراک والدین در مورد جزئیات ترومای کودک و مشکلات رفتاری او را که حاصل تروما است بهتر درک می‌کنند، والدین و کودک بهتر می‌توانند در مورد تروما و تاثیرات آن صحبت کنند، و ظرفیت والدین برای مقابله با پریشانی حاصل از تروما و حمایت بیشتر از کودک تقویت می‌شود.

در فصل دوم این بخش، کاریسا ویلسی و همکارانش با نظارت مارک چافین در مورد درمان تعامل والد-کودک (PCIT) صحبت کرده و آن را یک درمان شواهدمحور برای کار با کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی معرفی می‌کنند. در PCIT والدی که در معرض بدرفتاری با کودک قرار دارد، و رابطه والد - کودک مورد هدف قرار می‌گیرد. این درمان می‌کوشد مهارت‌های فرزندپروری مثبت و راهبردهای رفتاری متناسب با رشد کودک را

ارتقا دهد. نویسندگان اشاره می‌کنند که PCIT سلامت روان و رفتار کودکان را تقویت و نرخ بدرفتاری والدین با کودک را کمتر می‌کند. همچنین می‌توان PCIT را در خانه و برای والدین رضاعی کودک نیز اجرا کرد.

شری توث فصل آخر این بخش را با معرفی روان‌درمانی والد-کودک (CPP) به پایان می‌برد. CPP یک درمان شواهدمحور است که توسط آلشیا لیبرمن و بر اساس نظریه دلبستگی و نتایج مطالعات تاثیر بدرفتاری بر فرآیندهای دلبستگی کودک طراحی شده است. هدف CPP این است که با افزایش ادراک والدین در مورد تاثیر منفی تاریخچه تروما و غفلت خودشان بر رفتار آنها با فرزندشان، تغییر تفسیر والدین از رفتارهای کودکشان، و بهبود تعامل با آنها چرخه انتقال میان‌نسلی بدرفتاری را بشکند. علاوه بر این، CPP می‌کوشد از طریق برگزاری جلسات هفتگی، تعامل مثبت و هیجانی میان والد-کودک، دلبستگی آنها را تقویت و رفتارهای مشکل‌آفرین درون‌سازی و برون‌سازی-شده کودک را کاهش دهد. از میان سه برنامه‌ای که در این بخش معرفی شده‌اند، ظاهراً CPP قوی‌ترین برنامه پیشگیری به شمار می‌آید. به این ترتیب، این بخش از کتاب نیز به پایان می‌رسند.

پیشگیری از بدرفتاری با کودک: تلاش‌های کنونی، پیشرفت‌های آینده

در بخش آخر در مورد رویکردهای جدید در حوزه بدرفتاری با کودک صحبت می‌کنیم: نه فقط برنامه‌هایی که از بروز «مجدد» بدرفتاری با کودک پیشگیری می‌کنند (پیشگیری ثانویه) بلکه برنامه‌هایی که از همان ابتدا نمی‌گذارند چنین پدیده‌ای روی دهد (پیشگیری اولیه). در نگاه اول رسیدن به چنین هدفی امکان‌ناپذیر به نظر می‌رسد اما وقتی دانش عظیم خود را در حوزه مهارت‌ها و صلاحیت‌های فرزندپروری بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که چطور می‌توانیم از این دانش برای کاهش معنادار وقوع سوءاستفاده فیزیکی، جنسی و غفلت از کودک بکار گیریم.

گوستافرو و لوتزکر در این بخش چند برنامه شواهدمحور از جمله "برنامه مراقبت امن" را معرفی می‌کنند. "برنامه مراقبت امن" برنامه‌ی معروفی است که در کار با والدینی که به دلیل غفلت از کودک به مراکز ارائه دهنده خدمات محافظت از کودک ارجاع داده شده‌اند، موفقیت‌آمیز عمل کرده است. در این فصل در مورد چالش‌های

اجرای و توسعه استفاده از برنامه‌های شواهدمحور در سطح گسترده اجتماعی نیز صحبت می‌شود. این نویسندگان اظهار می‌کنند که اگرچه گزارش در مورد بدرفتاری با کودک کاهش یافته است، اما هنوز هم نرخ این پدیده به طور غیرقابل‌پذیرشی بالاست. به همین دلیل برای بهبود و تداوم برنامه‌هایی که با هدف کاهش نرخ بدرفتاری با کودک طراحی می‌شوند، باید به طور پیوسته از تامین‌کنندگان و والدین بازخورد بگیریم و برای تامین نیازها و شرایط متغیر خانواده‌ها راهبردهایی تعیین کنیم.

چارلز ویلسون و دونا پنس پدیده «کاهش خطر» در دنیای واقعی را به طور نظام‌دار بررسی می‌کنند. آن‌ها عقیده دارند که موفقیت برنامه‌های پیشگیری از بدرفتاری با کودک نیازمند استفاده گسترده از راهبردهای کاهش خطر و هدف قرار دادن اثرات بلندمدت و کوتاه مدت بدرفتاری است. این راهبردها عبارتند از افزایش فرصت‌های دسترسی والدین به این برنامه‌ها، آموزش به والدین در مورد دوره‌های رشد و تکاملی کودک و رفتارهایی که می‌توانند در هر بازه رشدی از او انتظار داشته باشند، افزایش دانش در مورد نحوه صحیح فرزندپروری به خصوص در پاسخ به رفتارهای مثبت کودک، تقویت میزان حمایت والدین از فرزندان، و ارجاع والدین به منابع بیرونی برای دریافت حمایت‌های بیشتر.

در نهایت، شارون واسکو مفهوم «شواهد مبتنی بر عمل» (PBE) را توضیح داده و آن را یک مولفه ضروری در همه برنامه‌های کاهش خطر بدرفتاری با کودک معرفی می‌کند. این اطلاعاتی است که درمانگران می‌توانند در مورد اجرای برنامه‌های شواهدمحور در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در نهایت، می‌توان از این اطلاعات به روش‌های مختلفی برای تقویت غنای این برنامه‌ها استفاده کرد. علاوه بر این، واسکو ذکر می‌کند که باید PBE با برنامه‌های شواهدمحور مختلف ترکیب شود تا کارکنان بهتر بتوانند این برنامه‌ها را با نیازهای دریافت‌کنندگان خدمات تنظیم کنند. اینکه کدام یک از مولفه‌های برنامه‌های پیشگیری از بدرفتاری با کودک در کاهش این پدیده موثرتر هستند، برای تعیین موفقیت یا شکست یک برنامه چه داده‌هایی باید تحلیل شوند، و اجرای کدام یک از مولفه‌های هر برنامه به صرفه است سئوالاتی هستند که می‌توانیم با استفاده از PBE به آن‌ها پاسخ دهیم.

امیدواریم این کتاب دانش ما را در مورد نقش فرآیندهای خانواده در سبب‌شناسی، تاثیر، درمان و در نهایت، پیشگیری از بدرفتاری با کودک افزایش دهد و برای پژوهشگران و درمانگران این حوزه مفید واقع شود.

داگلاس ام. تتی؛ دانشگاه پارک، آمریکا

